



« کودکان بد سرپرست و بی سرپرست »

تعریف کودکان بد سرپرست و بی سرپرست

تعریف کودک بد سرپرست و کودک بی سرپرست متفاوت است و در کنار شباهت‌هایی که دارند، تفاوت‌هایی نیز دارند که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم. در جامعه‌شناسی، خانواده را به عنوان نهاد اصلی می‌دانند که در آن فرزند و اعضای خانواده، اجتماعی شدن را یاد می‌گیرند.

اعضای خانواده برای اولین بار در خانواده هنجارهای جامعه را می‌آموزند، منشاء بسیاری از رفتارهای افراد به خانواده برمی‌گردد. به هر دلیلی شخصیت اولیه کودکانی که خانواده‌ای ندارند یا تحت سرپرستی خانواده قرار نمی‌گیرد، به درستی شکل نمی‌گیرد.

در چنین کودکانی خلاءهایی به وجود می‌آید که تبعات آن در آینده دیده خواهد شد. بدیهی است فرزندانی که در محیط خالی از عشق و با دل‌بستگی خانوادگی کم‌تر تربیت و بزرگ می‌شوند در معرض بحران‌های عاطفی و روحی بسیاری قرار خواهند گرفت.

برخی از کودکان از نعمت زندگی در کانون خانواده به دلایلی همانند فوت والدین، طلاق، حوادث و غیره بی بهره‌اند. بی‌سرپرست به آن دسته از کودکان گفته می‌شود که بنا به دلایلی والدین خود را از دست داده‌اند یا این که والدین، آن‌ها را رها کرده‌اند.

بدسرپرست به کودکانی گفته می‌شود که به دلایل مختلف از حمایت، مراقبت و نگهداری موثر توسط خانواده محروم هستند و مورد غفلت خانواده (جسمی، روانی یا هردو) قرار می‌گیرند.

کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست بیشتر از کودکان دیگر به خدمات روانشناختی و روانشناسی احتیاج دارند. بسیاری از احساسات در این کودکان آسیب دیده و دچار مشکل شده است. آن‌ها احساس خشم و فقدان را به طور جدی تجربه می‌کنند و مستعد انواع بزه‌کاری هستند، به همین جهت اگر مشکلات کودکان درمان نشود آسیب‌ها از خانواده به جامعه کشیده می‌شود.

اصلی‌ترین نیازها و کمبودهای این کودکان

مراقبت، درک هم‌دلانه و مشارکت از نیازهای ضروری کودک در خانواده است؛ اما کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست از این نعمت محروم هستند و در مراکز شبه‌خانواده شبانه روزی رشد می‌کنند. با وجود این که هدف اصلی این مراکز تأمین نیازهای اصلی کودکان در محیط خانواده است، اما با انتقال آن‌ها از محیط خانواده به محیطی با آسیب‌های کم‌تر، کافی به نظر نمی‌رسد.



غم و ناراحتی ناشی از فقدان خانواده این کودکان را در معرض اختلال روان‌شناسی مانند افسردگی و اضطراب قرار می‌دهد که در زندگی این کودکان تأثیرات مخرب دائمی خواهد داشت. کودکانی که از فقدان خانواده یا خانواده‌های نامناسب و بد رنج می‌برند در آینده ممکن است در دوران تحصیل و مراحل زندگی خود باز بمانند و دچار بحران شخصیت و عدم توانایی برقراری ارتباط با اطرافیان خود شوند.

از علائم دیگر و بحران‌هایی که فقدان والدین یا کودکان بدسرپرست احتمال می‌رود از خود نشان می‌دهند افسردگی، وابستگی دلهره‌آمیز، ترس، گریه‌های شبانه، شب ادراری، عدم اعتماد به نفس، وابستگی‌های پی درپی به افراد مختلف و توانایی ضعیف برای برقراری با محیط اجتماعی است.

این کودکان با مشکلات فراوانی روبرو هستند:

1. مشکلات این کودکان نداشتن احساس امنیت و برطرف نشدن نیازهای آن‌هاست.

2. کودکانی که در مراکز شبانه روزی هستند، به دلیل جابه‌جایی‌های مکرر از خانه به خانه دیگر و از خانه به شبانه‌روزی، تغییر سیاست‌های مرکز نگهداری، تغییر کارمندان و امکانات رفاهی و تفریحی مراکز نگهداری احساس بی‌ثباتی می‌کنند.

3. کمبود اعتماد به نفس و نداشتن امکان بیان مشکلات با فرد مناسب و عدم دوست داشته شدن، از دیگر کمبودها و مشکلات روحی رفتاری این کودکان است.

4. با وجود یکسان بودن مدرسه کودکان عادی و شبانه روزی، این کودکان در محیط مدرسه و کلاس درس در انزوا هستند. این کودکان از وضعیت درسی پایین‌تری نسبت به کودکان عادی برخوردارند، زیرا رسیدگی زیاد والدین به وضعیت تحصیلی فرزندانشان باعث شده است

که فرزندانشان از وضعیت مناسب‌تری برخوردار باشند اما این فرزندان از چنین نعمتی محروم هستند.



تفاوت اصلی کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست

نوع کمبودهای شخصیتی در کودکان بدسرپرست با کودکان بی‌سرپرست متفاوت است. در هر صورت کمبودها بر روی شخصیت کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست تاثیر می‌گذارد و تاثیر رفتارهای آن‌ها بر رفتار جامعه نیز موثر است.

وجود خلاء بر روی رفتار کودکان در جامعه اثرگذار بوده و به راحتی آنان را به سوی نابهنجاری گرایش می‌دهد. کودکانی که دارای والدین معتاد به مواد مخدر هستند، این نوع رفتارهای والدین بر فرزندان قابل قبول و تاثیرگذار است و هم‌چنین باعث انتقال از سوی آنان بر محیط خواهد بود. زشتی رفتار نادرست در بین کودکان بدسرپرست از بین می‌رود و آن رفتار را بر جامعه تعمیم می‌دهند.



شرایط زندگی کودک بی سرپرست

با بررسی کودکان بی سرپرست از بعد شخصیتی نتایجی به دست آمده است که نشان می‌دهد این کودکان به دلیل نبود والدین، کمبودهایی را احساس می‌کنند و ممکن است برای جبران این کمبودها به سمت نابهنجاری بروند. ممکن است کودکان به دنبال دوستانی بروند که آن‌ها را جایگزین خانواده کنند که این کمبود موجب انتخاب نادرست و در نتیجه ضربه خوردن به احساسات این کودکان می‌شود.

کودکان بی سرپرست و بدسرپرست که از عاطفه مادرانه و عشق و روابط صمیمی والدین محروم بوده‌اند، غالباً از اختلالات عاطفی، نا امنی، احساس وابستگی یا طرد، گروه‌گریزی یا گروه‌گرایی‌ها رنج می‌برند و به صورت جدی نیازمند ارتباط عاطفی هستند. شایع‌ترین مشکل در میان این کودکان، افسردگی است که میزان آن ۴۰ درصد بیش‌تر از کودکان عادی است. کودکانی که در مراکز نگهداری شبانه‌روزی بزرگ می‌شوند از فرصت‌های طبیعی برای ابراز محبت نسبت به دیگران و مورد محبت واقع شدن محروم می‌مانند.

منبع: وبسایت bemehrbani.com تهیه کننده: روابط عمومی موسسه خیریه نیکوکاران راز / بهار 99



نفس کشیدن سندی برای زنده بودن،
و هم نفسی، دلیل ادامه زندگی ست.
دی دی، حامی راز

DiDi_Water
www.didiwater.com
info@didiwater.com

razcharity
www.razcharity.com
info@razcharity.com



۴۰۶۲۵

موسسه خیریه نیکوکاران راز
غیر دولتی، غیر انتفاعی، غیر سیاسی و داوطلبانه